یادداشت روز

خطرات یک عادی‌سازی و عادی‌انگاری

یکی از مسیرهایی که سال‌هاست دشمن برای اثرگذاری منفی و وارد آوردن ضربه به کشور و مردم ما به طور جدی در پیش گرفته است، حوزه فرهنگ و خدشه به سبک زندگی ایرانی اسلامی است. در این میان می‌توان به طور مشخص به مسئله حجاب و عفاف به عنوان یکی از مهم‌ترین نقاط هدف‌گذاری‌شده و مورد هجمه اشاره کرد.

مسئله خدشه به حجاب و تلاش برای کمرنگ کردن آن در این کشور به روش‌های مختلف، ریشه‌ای دیرینه دارد و می‌توان رد آن را در اوایل دوران پهلوی مشاهده کرد که در تلاشی چند دهساله، حجاب، عفاف، سلامت خانواده و سبک زندگی بر پایه دین با به‌کارگیری روش‌های مختلف موجود در آن زمان از تبلیغ سبک زندگی غربی و ولنگاری در مجلات و نشریات، سینما و... مورد بدترین حملات قرار گرفتند.

تلاشی که ابتدا با برخورد وحشیانه رضاخان آغاز شد و سپس با استقبال دربار و کارگزاران وابسته رژیم پهلوی با ضریب بیشتر بر آن دمیده می‌شد تا این اراده غرب با بهترین اثرگذاری در سطح جامعه نمودار شود. از جمله اینکه تلاش می‌شد که زنان بی‌حجاب و به شکل زنان غربی درآمده، به عنوان نماد پیشرفت و ترقی و الگوی زن موفق معرفی و حجاب به عنوان مزاحمی دست‌وپاگیر در مسیر پیشرفت در اذهان پذیرفته شود.

پیروزی انقلاب اسلامی و ترویج و تثبیت سبک زندگی ایرانی اسلامی باعث شد که این ذهنیت موهوم رنگ ببازد و در عمل ثابت شود که نه بی‌حجابی نماد پیشرفت و تمدن است و نه حجاب مانع پیشرفت و ترقی و شکوفا شدن استعدادها.

این واقعیت نیز در کارنامه موفق پیشرفت زنان و دختران این سرزمین در دوران حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و در سایه حفظ حجاب و عفاف در صحنه‌های مختلف اجتماعی و بین‌المللی کاملاً قابل مشاهده است.

جهش چشمگیر حضور زنان و دختران در عرصه علم از کسب سهم بالای کرسی‌های دانشگاه‌های برتر تا رسیدن به قله در تخصصی‌ترین رشته‌های پزشکی، هسته‌ای، مهندسی، علوم حوزوی، علوم انسانی، هنری و...، همچنین حضور اثرگذار و نه نمایشی اجتماعی از جمله رسیدن به بسیاری پست‌های مدیریتی، درخشش زنان و دختران بااستعداد ایرانی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در میادین مختلف ورزشی با کسب انبوهی از مدال‌های درخشان بین‌المللی در رشته‌های متنوع و بسیاری دیگر از موفقیت‌ها با حفظ حجاب اسلامی در کنار اعتقاد به شأن والای زن به عنوان مادر و همسر، به قدری گویاست که تکذیب یا نادیده گرفتن آن هنر می‌خواهد.

هر انسان منصفی اگر این پیشرفت‌ها را با زمان قبل از انقلاب که تلاش می‌شد الگوی زن پیشرفته در برهنگی روی جلد مجلات و پرده سینما و تن دادن به هر فلاکتی در کاباره‌های بدنام دانسته شود، در حالی که بیسوادی گسترده و عقب نگه‌داشتن زنان و دختران در عرصه اجتماع واقعیتی انکارناپذیر بود، مقایسه کند، قطعاً به نجات زن از آن دوران سیاه با طلوع خورشید انقلاب و پیشرفت شگفت‌انگیز زنان و دختران ایرانی در چهار دهه گذشته شهادت خواهد داد.

همین تجلی یک واقعیت دور از انتظار و ارائه الگویی موفق و متفاوت با آنچه از سوی غرب به عنوان راه پیشرفت زنان تبلیغ و ترویج می‌شد، خشم و کینه دنیای غرب را در پی داشت و تلاشی همه‌جانبه آغاز شد تا مانع تسری این الگو و واقعیت به دیگر جوامع هدف غرب شود که «زنان با داشتن حجاب و بدون برهنگی می‌توانند به قله‌های پیشرفت برسند».

یکی از عمده تلاش‌های دشمنان و بدخواهانی که چشم دیدن پیشرفت زنان و دختران بااستعداد ایرانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و بین‌المللی را نداشتند، پیاده‌سازی همان خط تبلیغی مخرب گذشته برای به‌اشتباه انداختن دختران ایرانی در تشخیص صحیح راه و الگوی پیشرفت بود که سال‌هاست در حال اجراست. تفاوت این خط تبلیغی با دهه‌های گذشته و قبل از انقلاب این است که این‌بار ابزار سردمداران به بیراهه کشاندن زنان و دختران ایرانی کامل‌تر از همیشه است. اکنون فضای مجازی با گستره متنوع سکوهای اثرگذار بر روح و روان و باور مردم از جمله زنان و دختران و خانواده‌ها با محوریت اینستاگرام و...، ماهواره با اختصاص هزینه‌های هنگفت برای به‌کارگیری ده‌ها شبکه فارسی‌زبان منحرف و مروج بی‌اخلاقی و سبک زندگی غربی در کنار به‌کارگیری بازوهای نفوذ فرهنگی (در غفلت مسئولان امر) در شبکه سینمای خانگی و بعضاً در خود سینما، به خط کردن سلبریتی‌های کم‌سواد اما بالا کشانده‌شده برای استفاده بموقع در ترویج سبک زندگی غربی، خدشه به حجاب، ارائه الگوهای در تقابل با فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی از جمله مصادیق تکاپوی سناریونویسان نفوذ فرهنگی نرم برای اثرگذاری بر جامعه ایرانی از جمله جوانان و زنان و دختران عزیز این سرزمین شمرده می‌شود.

در گام بعدی آنچه در یکی دو سال اخیر با سرعت و انرژی بیشتری از سوی اتاق‌های فکر نفوذ فرهنگی به چشم می‌خورد، حرکت به سمت عادی‌سازی هنجارشکنی‌هاست. این موضوع در ترویج سبک پوشش‌های زننده از سوی سلبریتی‌ها، شبکه سینمای خانگی، فضای مجازی و... قابل مشاهده است که متاسفانه از سوی برخی از زنان و دختران ایرانی فریب‌خورده هم بدون تحقیق و تفکر تکرار می‌شود و ضریب اجتماعی پیدا می‌کند. در کنار این، نمونه‌های دیگری از ترویج خیانت و سگ‌بازی و ولنگاری و... را نیز می‌توان در راستای اثرگذاری منفی بر سبک زندگی عمومی جامعه دانست.

به جرأت می‌توان گفت بسیاری زنان و دخترانی که به دام سراب سبک زندگی غربی و کنار گذاشتن حجاب با تصور عبور از موانع پیشرفت یا رسیدن به آزادی و... افتاده‌اند، اطلاع و ذهنیت دقیقی از پشت‌پرده ماجرا ندارند.

این همان نکته مهمی بود که رهبر انقلاب نیز با تاکید بر آن فرموده‌اند: «مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است؛ آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و شرعی است؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که اینها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من می‌دانم. خیلی از اینها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرّعند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [منتها] توجّه ندارند که چه کسی پشت این سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیّه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند...»(۱۵ فروردین ۱۴۰۲ - دیدار مسئولان و کارگزاران نظام).

حال در مقابل متاسفانه شاهد انفعال و وادادگی عجیب بسیاری از مسئولان در رده‌های بالای اجرائی و نظارتی و کم‌توجهی آنها به وظایف قانونی، بی‌برنامگی عجیب دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی کشور و به نوعی با کمال تأسف عادی‌انگاری در بین مسئولان و نهادهای فرهنگی در این خصوص هستیم.

در حالی که جبهه مقابل با همه توان در حال پیاده‌کردن سناریوی کشف حجاب و برهنگی و تن‌نمایی زنان و دختران غفلت‌زده در کشورمان است و بسیاری از آقایان راه مقابله را تنها کار فرهنگی و فرهنگ‌سازی می‌دانند، ضمن تاکید بر اینکه هنجارشکنی‌های هدفمند قطعاً نیازمند برخورد بازدارنده با سردمداران و مروجان آن است، آنچه مشاهده می‌شود، این است که متأسفانه تقریباً کار فرهنگی خاصی هم از سوی آنها که چاره را کار فرهنگی می‌دانند، مشاهده نمی‌شود.

اکنون و در شرایط بمباران فکری و عقیدتی دختران این سرزمین از سوی دشمن، انصافاً کدام نهاد فرهنگی، از صداوسیما و آموزش‌وپرورش تا وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات و... آن طور که باید کار مؤثر و ویژه‌ای برای پاسخ به شبهات باطل در مورد حجاب، تبلیغ خلاقانه پوشش اسلامی، و نجات دختران معصوم و عزیز و پاک‌سرشت ایرانی از دام دشمن انجام داده و می‌دهند؟

عادی‌انگاری آنچه با تلاش دشمن در عادی‌سازی ناهنجاری‌ها و ترویج سبک زندگی غربی در جامعه در حال وقوع است، خطای بزرگ و نابخشودنی تمام مسئولان و نهادهایی است که در این زمینه وظیفه قانونی و شرعی و اخلاقی دارند.

قطعاً اگر به طور دقیق به دختران و زنان ایرانی در معرض بی‌حجابی این آگاهی داده شود که چرا دشمن به ظاهر دلسوز زنان ما فقط دغدغه برداشتن روسری و آرزوی برهنه‌شدن آنها را دارد و هیچ نیاز و دغدغه واقعی زنان ما برای او مهم نیست، اگر به زنان و دختران ما سرنوشت شوم برهنه‌شدن زن‌ها در غرب و افزایش چشمگیر ناامنی، تجاوز و فروریختن کانون خانواده در کشورهای غربی و دنباله‌رو غرب به‌درستی و وضوح نشان داده شود، اگر نمونه‌های متعدد زنان موفق ایرانی در عرصه‌های مختلف علمی، ورزشی، هنری، اجتماعی و... که با حفظ حجاب و بدون مانع به موفقیت رسیده‌اند، معرفی شود، بسیاری از آنها در گام نهادن در مسیر دوراهی سبک زندگی غربی یا ایرانی اسلامی آگاهانه و درست تصمیم خواهند گرفت. متأسفانه جای این عرضه واقعیت‌ها به‌شدت در کتاب‌های درسی، در مدارس کنکورزده با کمبود هزاران معلم تربیتی و پرورشی، در سریال‌های تلویزیونی و تولیدات سینمایی، در عملکرد نهادهای تبلیغاتی و فرهنگی مختلف، خالی است.

این موضوع در صحبت‌های رهبر انقلاب در همان جلسه مذکور با مسئولان نظام نیز به چشم می‌خورد که فرمودند: «همه توجّه داشته باشند که دشمن با نقشه و برنامه وارد این کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم...».

مسئولان امر باید دختران و جوانان این سرزمین را همچون فرزندان خود بدانند و همان‌طور که دغدغه حفظ و مراقبت از فرزندان‌شان را دارند، دلسوزانه و دغدغه‌مند برای خنثی‌کردن توطئه دشمن در آسیب به دختران و جوانان عزیز ایران تلاش کنند.

عباس شمسعلی

مقام بلندپایه امنیتی سابق رژیم صهیونیستی:

اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه شکست خورد براندازی در ایران خیال‌پردازی است

سرویس سیاسی-

رئیس پیشین دایره تحقیقات و تحلیل مرکز اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی در گفت‌وگویی ضمن اذعان به شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه با ایران، از ضدانقلاب خارج‌نشین و همچنین خیال‌پردازی درباره براندازی در ایران ابراز ناامیدی کرد.

سرگرد دنی (دنیس) سیترینوویچ، رئیس پیشین دایره تحقیقات و تحلیل مرکز اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی که هم اکنون به عنوان پژوهشگر ارشد در مؤسسه صهیونیستی آبا اِمان مشغول به کار است در گفت‌وگویی با شبکه ضد انقلاب بی‌بی‌سی فارسی ارگان رسانه‌ای دولتی انگلستان ضمن اعتراف به شکست برآوردهای رژیم اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه، از ناتوانی ضدانقلاب و همچنین خیال‌پردازی‌ها درباره براندازی در ایران سخن گفت.

سیترینوویچ در این زمینه اظهار داشت: باید واقع‌بین باشیم، اما متأسفانه در اسرائیل هیچ‌کس واقع‌بین نیست. در جنگ ۱۲ روزه تصور می‌کردیم تنها با بمباران هوائی می‌توان حکومت ایران را تغییر داد، اما نتیجه برعکس شد؛ ایران از همان جنگ برای تقویت موقعیت خود بهره برد.

این مقام امنیتی سابق رژیم صهیونیستی خاطرنشان کرد: مشکل اصلی این است که در ایران اپوزیسیون واقعی وجود ندارد و اپوزیسیون خارج‌نشین هم توان انجام کاری را ندارد. سیترینوویچ در ادامه گفت: رضا پهلوی را شخصیتی نمی‌دانم که بتواند به ایران بازگردد و کنترل اوضاع را در دست بگیرد.

رئیس پیشین تحقیقات و تحلیل مرکز اطلاعات ارتش اسرائیل همچنین اذعان داشت: جنگ ۱۲ روزه نشان داد که ما از بیرون قادر به تغییر حکومت در ایران نیستیم.

ادعای مؤسسه صهیونیستی: ۹۵۰ موشک ایرانی به اسرائیل اصابت کرد

در همین راستا، بر اساس داده‌های ادعایی مؤسسه مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، در دوسال اخیر و در طی جنگ‌های متمادی رژیم صهیونیستی در دو سال گذشته، تاکنون یک هزار و ۹۸۶ اسرائیلی کشته شده‌اند که از این میان ۹۱۹ نفر نظامی بوده‌اند.

بیشترین تلفات در جبهه غزه ثبت شده و شمار کشته‌شدگان این جبهه، یک هزار و ۷۲۴ نفر اعلام شده است. همچنین ۲۵۵ اسرائیلی اسیر شدند که از میان آن‌ها ۱۳ جسد همچنان در غزه باقی مانده است.

به گزارش ایرنا از خبرگزاری فلسطینی صفا، طبق این گزارش مؤسسه مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، شمار مجروحان صهیونیست در جنگ به ۳۰ هزار و ۱۳۵ نفر رسیده است. افزون بر این، حدود ۱۶۴ هزار و ۵۰۰ اسرائیلی مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند که ۷۴ هزار و ۶۰۰ نفر از آنان در مناطق اطراف نوار غزه سکونت داشتند.

این مؤسسه تأکید کرد تاکنون ۵۱ پهپاد از نوار غزه به سمت اسرائیل پرتاب شده و ارتش در طول جنگ ۳۰۰ هزار نیروی ذخیره را - عمدتا برای جبهه غزه - فراخوانده است. همچنین مجموع شلیک‌های ثبت‌شده علیه اسرائیل ۳۷ هزار و ۵۰۰ موشک و راکت بوده که بیش از ۱۰ هزار و ۲۰۰ فروند آن از غزه شلیک شده‌اند.

در جبهه کرانه باختری و قدس، در طول جنگ ۷۶ اسرائیلی کشته و ۵۶۵ نفر زخمی شده‌اند. از میان کشته‌شدگان، ۳۲ نفر نظامی بودند. طبق گزارش، ارتش اشغالگر برای نخستین بار از زمان انتفاضه الاقصی، ۱۲۹ حمله هوائی در این مناطق و عمدتا در شمال کرانه باختری انجام داده و سه اردوگاه در جنین و طولکرم را تخلیه یا تقریبا نابود کرده است.

علاوه بر این، ارتش رژیم صهیونیستی ۱۵ هزار و ۴۵۶ مورد بازداشت انجام داده است. در مجموع، ۱۰ هزار و ۴۹۶ عملیات در کرانه باختری اجرا شده که ۶ هزار و ۵۳۹ مورد پرتاب سنگ و یک هزار و ۲۱۵ مورد پرتاب بمب آتش‌زا شامل می‌شود. در جبهه ایران، طبق گزارش ادعایی مؤسسه مذکور، در جریان درگیری‌های کوتاه‌مدت ماه ژوئن سال جاری، ۳۳ اسرائیلی در نتیجه اصابت ۹۵۰ موشک ایرانی کشته شده و سه هزار و ۵۵۰ نفر نیز زخمی شدند.

در جبهه لبنان نیز، حملات موشکی و پهپادی حزب‌الله به کشته شدن ۱۳۲ اسرائیلی منجر شده است. در این جبهه ۱۷ هزار و ۳۰۰ موشک و ۵۹۳ پهپاد به سمت اهداف اسرائیلی شلیک شده و ۶۸ هزار و ۵۰۰ اسرائیلی از شهرهای شمالی آواره شده‌اند.

در ارتباط با جبهه یمن، این مؤسسه اعلام کرد حملات موشکی و پهپادی نیروهای یمنی باعث کشته شدن دست‌کم یک اسرائیلی و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ نفر شده است. از مجموع ۵۰۰ موشک و پهپاد شلیک‌شده از یمن، حدود ۷۰ موشک و ده‌ها پهپاد به اهداف داخل اسرائیل اصابت کرده‌اند. بر اساس این گزارش، بندر ایلات در اثر این حملات ۸۰ درصد از کارایی خود را از دست داده و ارتش اسرائیل در پاسخ، ۱۹ دور حمله به یمن انجام داده که طی آن ۹۰ هدف مورد اصابت قرار گرفته است.

مهدیه اسفندیاری به شکل مشروط از زندان فرانسه آزاد شد

شهروند ایرانی در فرانسه که به دلیل حمایت از مردم فلسطین در بند دولت فرانسه قرار داشت به صورت مشروط آزاد شد.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه از آزادی مشروط مهدیه اسفندیاری با حکم قاضی فرانسوی در شامگاه چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۴، بعد از ۲۳۵ روز بازداشت در زندانی در فرن فرانسه خبر داد.

بقایی با استقبال از تصمیم قاضی فرانسوی برای صدور حکم آزادی تحت نظر خانم اسفندیاری، تاکید کرد که وزارت امور خارجه تا آزادی کامل این هموطن ایرانی و بازگشت وی به میهن به تلاش‌های خود ادامه خواهد داد.

اسفندیاری از ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام حمایت از مردم فلسطین در بازداشت بوده است.

مهدیه اسفندیاری که از سال ۱۳۹۷ برای ادامه تحصیل در رشته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی فرانسه با روادید دانشجویی به فرانسه رفته، دهم اسفند سال گذشته در لیون فرانسه و در حالی که ده روز بعد بلیت بازگشت به ایران را داشت، بازداشت شد، آن هم به جرم فعالیت در یک کانال تلگرامی در حمایت از مردم فلسطین.

سخنگوی وزارت امور خارجه، پیش از این بازداشت این شهروند ایرانی را «بازداشت خودسرانه» خوانده بود و جلال‌زاده معاون وزیر هم در این باره عنوان کرد: «خانم اسفندیاری توسط کشوری که مدعی مهد آزادی است، به خاطر فعالیت در یک کانال تلگرامی به نفع مردم مظلوم فلسطین و کودکان و زنان فلسطینی به گروگان گرفته شده است.»

گفت‌وگوی تلفنی عراقچی با خانم اسفندیاری

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز روز پنجشنبه اول آبان‌ماه تلفنی با مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی بازداشت شده در فرانسه که به صورت مشروط آزاد شد، گفت‌وگو کرد.

وی نسبت به بازگشت هرچه سریع‌تر این شهروند ایرانی به کشور ابراز امیدواری کرد.

سیدعباس عراقچی، در این گفت‌وگوی تلفنی از آزادی این شهروند ایرانی ابراز خرسندی کرد و گفت: خدا را شکر می‌کنیم. شما هم روی مواضع‌تان خیلی محکم ایستادید.

وزیر امور خارجه افزود: ان‌شاءالله شما را به‌زودی در ایران زیارت کنیم و بقیه مراحل انجام می‌شود و شما آنجا را ترک کنید.

مهدیه اسفندیاری هم بیان کرد: «خدا خیرتان بدهد. من هم در زندان هم برای مردم ایران و هم سربازان اسلام دعا می‌کردم.»

سیدعباس عراقچی، رئیس دستگاه دیپلماسی پیش از این نیز در ۲۰ شهریور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری درباره مهدیه اسفندیاری گفته بود: فعالیت‌های زیادی انجام شده و به نقطه‌ای رسیده‌ایم که تبادل ایشان با زندانیان فرانسوی در ایران به مراحل پایانی خود رسیده و امیدوارم به‌زودی انجام شود. یک‌سری ترتیبات اجرائی دارد که باید انجام شود، این فقط دست وزارت امور خارجه نیست، چون هم قوه قضائیه و نهادهای امنیتی هم در آن درگیر هستند، هماهنگی‌ها که انجام شود، ترتیبات اجرائی هم با دولت برای آن تعریف می‌شود، من امیدوارم در روزهای آینده انجام شود.

خبر ویژه

پاسخ اصلاح‌طلب خارج‌نشین به ماله‌کشی پادوی ترامپ

بی‌ربط‌نویسی عضو تیم گردانندگان روزنامه هم‌میهن، با اعتراض اکبر گنجی اصلاح‌طلب خارج‌نشین مواجه شد.

«احمد- ز» با اشاره به مناظره‌اش با حمید رسایی نوشته بود:

«در مناظره، وی خودش را جای آمریکا گذاشت و از من خواست که در نقش جمهوری اسلامی با او مذاکره کنم. بعد هم بلافاصله گفت؛ هسته‌ای را بده بیا! موشک را بده بیا! پاسخم این بود که آمریکا به اندازهٔ وی این‌قدر بی‌منطق نیست! حالا حامیان آقای رسایی همین نکته را برجسته کرده و می‌گویند که فلانی از خواست آمریکا برای کاهش برد موشک‌های ایران بی‌خبر است!

قاعدتاً من بنا به حرفه‌ام، بیش از آنان از مطالبات آمریکا از ایران اطلاع دارم چون همه‌اش رسانه‌ای شده است. حرف من این بود که وقتی یک مقام آمریکایی پشت میز مذاکره می‌نشیند، بعید است پشت سر هم تکرار کند؛ بده بیا! لابد طرحی وسط می‌گذارد که اساسش بده- بستان است. در حقیقت این هنر دیپلمات‌های ایرانی است که قادر به هدایت مذاکرات به سمتی متوازن و معقول و شفاف‌سازی امتیازات پیشنهاد شده باشند».

وی افزوده بود: «ما هنوز نمی‌دانیم که آمریکا در مقابل آنچه از ایران طلب می‌کند، چه امتیاز مشخصی ارائه می‌دهد چون این موضوع هنوز رسانه‌ای نشده است. آیا آمریکا در برابر تعلیق یا تعطیل صنعت هسته‌ای، حاضر به لغو تحریم‌ها در سطحی کاملاً ملموس و مؤثر است؟ آیا نگرانی‌های امنیتی مشروع ایران را به رسمیت می‌شناسد؟ و اگر می‌شناسد، در مقابل فرض کاهش برد موشک‌ها، حاضر به ارائهٔ چه نوع تضمین‌های امنیتی است؟ اینها مسائلی است که در پشت یک میز مذاکرهٔ معقول و مدنی می‌تواند مورد بحث و شفاف‌سازی قرار گیرد و بعد به نحوی رسانه‌ای شود تا بتوان در مورد فواید و زیان‌هایش داوری کرد و به تصمیم رسید. بدون تردید هیچ شهروندی امتیاز دادن یک‌سویه به طرف مقابل را نمی‌پذیرد چون اصلاً با خرد متعارف سازگار نیست. هر مذاکره‌ای به قصد توافق صورت می‌گیرد و هر توافقی مبتنی بر بده- بستان متقابل است، به طوری که منافع هر دو طرف تأمین شود و یا لااقل به خطر نیفتد. به هر حال دیپلماسی و اصول حکمرانی از ابتدای مدنیت بشر تاکنون همین بوده و از این به بعد هم همین خواهد بود».

در واکنش به این تجاهل و بی‌خبری نسبت به بی‌منطقی و زورگویی دولت ترامپ، اکبر گنجی در کانال خود نوشت: «درباره این این جمله که «وقتی یک مقام آمریکایی پشت میز مذاکره می‌نشیند، بعید است پشت سر هم تکرار کند؛ بده بیا! لابد طرحی وسط می‌گذارد که اساسش بده- بستان است» باید گفت: از ۲۳ فروردین تا ۲ خرداد که ۵ دور مذاکره میان ایران و آمریکای ترامپ برگزار شد، «هیچ متنی» تأکید می‌کنم «هیچ متنی» از سوی آمریکا به طرف ایرانی ارائه نشد و صرفا این طرف ایرانی بود که از همان دور اول با پیشنهادات مکتوب پشت میز مذاکرات حاضر شد.

در نهایت، پس از دور پنجم، نامه‌ای ۱۵ بندی را آمریکا از طریق وزیر خارجه عمان به ایران منتقل کرد که در آن نامه از ایران درخواست شد: ۱. تمام زنجیره غنی‌سازی ایران باید تعطیل شود و از بین برود. ۲. مذاکرات موشکی آغاز و ایران باید محدودیت‌هایی را در این حوزه بپذیرد. ۳. ایران باید از گروه‌های مقاومت مورد حمایت خود دست بکشد.

نکته قابل‌توجه این بود که در این نامه هیچ اشاره‌ای به اینکه در قبال پذیرش همه این خواسته‌ها از سوی ایران، آمریکا چه امتیازی را به تهران می‌دهد. یعنی در واقع همان «بده بیا!» بدون هیچ مابه‌ازایی! از نظر تصمیم‌گیران ایرانی پذیرش این نامه چیزی جز همان «تسلیم بی‌قید و شرط» نبود که بر همین اساس، پاسخی متناسب با آن تنظیم و به آمریکا تحویل داده شد. برخلاف نظر آقای از...!، به نظرم ایران در مذاکره با دولت ترامپ حاضر به دادن امتیازات بیشتری حتی فراتر از برجام بود، اما طرف مقابل قصد نداشت امتیازی بدهد و می‌گفت با ما توافق کنید تا بمباران نشوید!».

بنیاد آمریکایی: اقتصاد روسیه بهتر از پیش‌بینی‌های ما عمل می‌کند

پژوهشگر بنیاد آمریکایی کارنگی معتقد است: اقتصاد روسیه کاملاً در وضعیت جنگی قرار ندارد و به لطف هزینه‌های گسترده دولت، قیمت بالای کالاهای صادراتی و مدیریت اقتصادی ماهرانه، بهتر از پیش‌بینی‌ها عمل کرده است.

الکساندرا پروکوپنکو عضو مرکز اوراسیای روسیه در مؤسسه کارنگی در برلین می‌نویسد: برخلاف تصور عمومی در خارج، اقتصاد روسیه کاملاً در وضعیت جنگی قرار ندارد. کرملین همزمان در کارخانه‌های تسلیحاتی سرمایه‌گذاری کرده و تجارت با چین را برای دور زدن تحریم‌های غربی افزایش داده است. طی سه سال گذشته، اقتصاد روسیه به لطف هزینه‌های گسترده دولت، قیمت بالای کالاهای صادراتی و مدیریت اقتصادی ماهرانه بهتر از پیش‌بینی‌ها عمل کرده است.

با وجود تحریم‌ها و انزوا، روسیه توانسته ماشین جنگی خود را فعال نگه دارد. در سال ۲۰۲۱، کرملین حدود ۲۲درصد بودجه فدرال را به حوزه نظامی اختصاص داد و امروز تقریباً ۴۰درصد بودجه فدرال، معادل حدود ۸درصد تولید ناخالص داخلی (شامل هزینه‌های امنیت داخلی)، صرف امور نظامی می‌شود. دولت تولید پهپاد و مهمات را گسترش داده، ذخایر تجهیزات دوران شوروی را بازسازی کرده و مشوق‌های مالی برای جذب نیرو به ارتش ارائه می‌دهد. روسیه توانست حمله خود را بدون قرار دادن کل اقتصاد در وضعیت جنگی، با اعلام بسیج جزئی و تشویق کارخانه‌های دفاعی موجود برای کار شبانه‌روزی، حفظ کند. واردات موازی-کالاهایی که توسط شخص ثالث و بدون اجازه تولیدکننده به روسیه فروخته می‌شوند- و تامین‌کنندگان چینی، کمبود قطعات حیاتی ناشی از تحریم‌ها را پوشش داده‌اند.

سیاستگذاران باید پیش‌بینی کنند که کرملین چگونه خود را وفق می‌دهد. روسیه ممکن است با نظامی‌تر کردن بیشتر اقتصاد، صنایع غیرنظامی را برای تولید نظامی تغییر دهد، کارخانه‌های جدید بسازد و با افزایش دستمزد، معافیت از خدمت و کارزارهای استخدام، نیروی بیشتری به صنایع دفاعی جذب کند. چنین اقداماتی برای پوتین پرریسک است، زیرا مردم عادی باید فداکاری کنند؛ کارخانه‌های مصرفی ممکن است تعطیل شوند، کالاها سهمیه‌بندی شوند و شرکت‌ها کارکنان خود را از دست بدهند. با این حال، پوتین تاکنون رضایت عمومی را با حفظ زندگی روزمره در شرایط نسبی عادی حفظ کرده است. بسیج کامل می‌تواند اثرات جنگ را برای مردم ملموس‌تر کند، اما از دیدگاه پوتین، پاداش احتمالی- سلطه بر اوکراین و تضعیف ناتو- ارزش ریسک را دارد.

اعتماد: ایران موفق شد آثار مکانیسم ماشه را مهار کند

روزنامه اعتماد می‌گوید بیشتر تاثیر مکانیسم ماشه، بار روانی بازگشت قطعنامه‌های تحریم بود و ایران توانست با تدارکات قبلی و پشتوانه شرکای شرقی، عمده تاثیرات آن را خنثی کند.

این روزنامه در تیتر نخست خود و ذیل عنوان «تیزه تحریم و سپر مقاومت» نوشت: در حالی که رسانه‌های غربی از شمارش معکوس بازگشت تحریم‌ها می‌نوشتند، نفتکش‌های ایرانی یکی پس از دیگری در مسیر شرق حرکت می‌کردند، انبارهای بانک مرکزی از طلا و ارز تازه‌وارد پر می‌شد و رکورد یک دهه‌ای فروش نفت شکست. این فقط یک تصادف نبود؛ این نقشه‌ای بود برای مقاومت در برابر فشار بی‌سابقه جهانی. اروپایی‌ها، در اواخر شهریور ۱۴۰۴ درخواست بازگشت شش قطعنامه تحریمی سازمان ملل را مطرح کردند. اما برخلاف قطعنامه‌های اولیه دهه ۱۳۸۰، به طور صریح خرید و فروش نفت را تحریم نکرده‌اند. مقامات نفتی ایران نیز تاکید کرده‌اند که «متن مکانیسم ماشه مستقیما به فروش نفت اشاره‌ای ندارد» و تحریم‌های پیشین آمریکا و اروپا (پس از ۲۰۱۸) دست‌کم روی صادرات نفت ایران در عمل تاثیر چشمگیری نداشته است. اما در این بین اعلام خبر آغاز روند بازگشت قطعنامه‌ها باعث نوسانات شدید در بازار ارز شد؛ این نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از اثر روانی تحریم‌ها، در اخبار مربوط به مکانیسم ماشه اعمال شد.

ایران بیش از ۲,۲۵ تن طلای خام از چین وارد کرده است. میزان واردات طلای ایران در سال ۲۰۲۴ میلادی (تا پاییز ۱۴۰۳) به حدود ۱۰۰ تن معادل بیش از ۸ میلیارد دلار رسیده که «مثبت‌ترین رقم طی دهه‌ها» است. این سیاست خرید فیزیکی طلا به جای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات نفت، کوششی عمدی برای تقویت ذخایر ارزی و فرار از تحریم‌های دلاری به‌شمار می‌آید. همین‌طور داده‌های رسمی ایران نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۳ کم‌سابقه‌ترین درآمد نفتی طی یک دهه اخیر ثبت شد؛ به‌گونه‌ای که کل صادرات نفت کشور به ۶۷ میلیارد دلار رسید. از سوی دیگر، فرستاده‌های دولت هند نیز در ماه‌های اخیر پیغام داده‌اند آماده خرید نفت ایران هستند.

در اولین ماه‌های سال جاری میلادی، چین کماکان خریدار عمده نفت ایران بود؛ واردات نفت خام ایران به این کشور در مارس ۲۰۲۵ به رکورد تمام وقت نزدیک به ۱,۷ تا ۱,۸ میلیون بشکه در روز رسید. آمارهای تحلیلی معتبر نشان می‌دهد که در ماه ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۴)، میانگین صادرات نفت خام ایران به ۱,۸ میلیون بشکه در روز رسید که بالاترین رقم در دوره‌های اخیر است. این موفقیت بی‌سابقه نتیجه ده‌ها اقدام فنی و دیپلماتیک (از اعزام نفتکش به بازارهای متعدد تا بهره‌برداری از بنادر و خطوط لوله جدید) و مدیریت فشارهای تحریمی بوده است. به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، میانگین صادرات نفت ایران در نیمه نخست ۲۰۲۵ میلادی نیز حدود ۱,۷ میلیون بشکه در روز بود، یعنی تجارب سخت تحریمی را تغییر جهت داد و حتی جهش صادرات در میانه تشدید تحریم را ممکن ساخت. همچنین آمارهای مراکز تحقیقاتی نشان می‌دهد که ایران پس از سقوط صادرات به کف نیمه اول ۲۰۲۰ (حدود ۰,۴ میلیون بشکه)، اکنون حدود ۱,۵ میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌کند. این حجم صادرات (بیش از سه برابر اوج سال‌های تحریم شده ۲۰۲۰-۲۰۲۱) عمدتا مدیون سیاست نگاه به شرق بوده است؛ چین و دیگر خریداران آسیایی، نیاز خود را به نفت ایران روزانه بیش از ۲,۶ میلیون بشکه محصول هیدروکربوری شامل نفت خام و فرآورده‌ها اعلام شده) تامین کرده‌اند. برخلاف انتظار آمریکا که قصد داشت صادرات نفت ایران را به نزدیک صفر برساند، اقتصاد ایران از ظرفیت فروش نفت به بازارهای جایگزین حداکثر بهره را برده است. ماشه نتوانست صادرات نفت ایران را مختل کند. علت، ایستادگی چین و روسیه در برابر تحریم‌های جدید بود. پکن و مسکو پیش‌تر به صراحت اعلام کرده‌اند که تحریم‌های یکجانبه علیه ایران را قبول نخواهند کرد و از بازگشت محدودیت‌های سازمان ملل حمایت نمی‌کنند.

ایران، با تدارکات قبلی و پشتوانه شرکای شرقی، بسیاری از ضربات تحریمی را خنثی کرده است. خرید بی‌سابقه طلا و ارز، تلاش برای افزایش فروش نفت خام و توسعه روابط راهبردی با بلوک شرق، نمونه‌هایی از راهکارها در جنگ اقتصادی است. رسانه‌های مهم بین‌المللی کمابیش اجماع دارند که ایستادگی ایران و شکستن سد تحریم، شگفتی‌ای بود که برنامه‌ریزان غربی آن را دست‌کم گرفتند.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

جرم مضاعف!

گفت: در نشست رئیس قوه قضائیه با دانشجویان در دانشگاه ایلام، بسیاری از دانشجویان خواستار محاکمه عاملان تحمیل برجام به نظام و ملت شده بودند.

گفتم: به نوشته سایت «اصلاحات نیوز» یکی از دانشجویان بی‌خبر از ماجرا نیز پشت تریبون رفته و در اعتراض به مطالبه دانشجویان انقلابی، خطاب به رئیس قوه قضائیه گفته است؛ آیا کسانی که بانیان قطعنامه و تحریم‌هایی بوده‌اند که هر ۱۶۰ روز یک‌بار علیه مردم وضع شده بود، نباید محاکمه شوند؟!

گفت: قطع